

بررسی آسیب‌های پاسداری در حوزه اخلاق و رفتار سازمانی

از منظر آیات و روایات

دکتر رضا حاج خلیلی

ابوالفضل قربانی

چکیده

شناخت مقدم بر تجویز و راه‌حلی است؛ تا شناخت، تحلیل و توصیف در یک پدیده صورت نگیرد بیان اینکه چه باید کرد امری غیرمنطقی است؛ بنابراین در پدیدارشناسی مسأله-محور باید مسأله مشخص، تحلیل و توصیف شود. شناسایی و فهم خود مسأله، فرآیند حل مسأله را قریب و دقیق می‌نماید. مسائل بر پایه پدیدارها در پیرامون ما خود را نشان می‌دهند و یکی از این پدیدارها و مسائل؛ انسان است. انسان‌ها با دارا بودن زوایای سه‌گانه فکری، روحی-عاطفی و جسمی با روند رشد و تربیت قادر خواهند بود به یاری محیط خود بشتابند. امروزه سازمان‌ها در پی جذب و پرورش نیروهای کارآمدی هستند که قابلیت آنها، باعث تسریع در رسیدن به اهداف تعیین‌شده سازمان است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از دید بنیان‌گذار آن به عنوان یک نهاد مقدس بر پایه ارزش‌های اصیل اسلامی - انسانی بنا نهاده شده است. تفاوت ملموس این نهاد با دیگر نهادها و سازمان‌ها؛ تاکید خاص آن بر انسان و تربیت او، بجای تأکید بر دیگر عوامل و اجزای یک سیستم است؛ مبنی بر اینکه باید انسان‌های نیک برای رشد و تعالی در این نهاد جذب و پرورش یافته و همچنین این نهاد در اهداف تعیین‌شده و مأموریت‌های تصریحی، به دنبال رشد و تعالی محیط پیرامون و اجتماع انسانی است، اما پاسداران اسلام همچون دیگر انسان‌ها در معرض تهدیدهای متعدد بوده و به تبع دچار آسیب‌هایی خواهند شد که در نهایت ضمن صدمه زدن بر خود بر محیط اجتماعی و نهادی سپاه نیز اثر مستقیم خواهند گذاشت. آسیب‌ها در ابعاد و گستره‌های مختلف است که یکی از این آسیب‌ها در حوزه اخلاق و رفتار سازمانی محسوب می‌شود که نویسندگان سعی دارند با بهره‌گیری از منابع دینی اعم از آیات و روایات و با راهبرد توصیفی - تحلیلی به تبیین و تشریح آن با روش خبرگی - دلفی اقدام نمایند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، پاسداری، اخلاق، رفتار، منابع دینی

طرح مسأله

آسیب‌شناسی به معنی مطالعه مبانی کارکردهای مواجهه با اختلال است. آسیب‌شناسی باید از یک مسیر و فرآیند منطقی از تشخیص مسأله تا شناخت و تحلیل و در نهایت رسیدن به راه‌حل عبور نماید.

عدم تشخیص صحیح و شناخت ابعاد آسیب خود به انحراف در تحلیل و علت‌یابی منجر شده و در نهایت در درمان آسیب، دچار انحراف خواهد شد.

هر گروه و صنفی در جامعه، در کنار پای‌بندی به اخلاقیات عمومی؛ اعم از فردی و اجتماعی، همچون تقوا، توکل، راست‌گویی، امانت‌داری و وفا به عهد، باید اخلاق و منش ویژه خود را نیز پاس‌بدارد و بیش از دیگران به آن‌ها اهتمام ورزد. از این نوع اخلاق، به اخلاق حرفه‌ای، صنفی یا «اخلاق سازمانی» یاد می‌کنند.

عناصر هر سازمان باید اصول اخلاق و منشی را که تناسب و ارتباط بیشتری با کار و مأموریت آنان دارد، در نظر بگیرند و به آن‌ها بیش از دیگر اصول اهتمام ورزند تا از آسیب‌هایی که حوزه اخلاق و رفتار سازمانی را تهدید می‌کنند مصون باشند.

سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بعد نیروی انسانی از افراد ارزشی و حتی سرآمد و الگو در مسلمانی و انقلابی تشکیل شده است. این مجموعه برای حفظ و تقویت روحیه پاسداری، پیوسته باید در حال رشد و بالندگی باشد و علاوه بر آگاهی و تجربه نظامی، خود را به بایسته‌های اخلاقی و خوی و منش پاسداری در حوزه سازمان بیاراید؛ بنابراین پاسداران انقلاب اسلامی در آراستگی به منش و مرام پاسداری در محیط سازمان و هنگام ایفای مأموریت، باید به گونه‌ای باشند که سیدالشهدا و یاران مخلص او را به خاطر دیگران آورند. اگر جز این باشد، هر چند

در فناوری‌های نظامی و قدرت سیاسی پیشرفته باشند، از جایگاه مقدس پاسداری دورند؛ چراکه پاسداری، عنوان و شغل و داشتن پرونده پرسنلی نیست، بلکه مرتبه‌ای از مراتب اخلاقی و معنوی‌ای دارد که دسترسی به آن، نیاز به خلق محمدی و خوی علوی در مقام ایفای وظیفه دارد.

در آموزه‌های دینی، برخی افراد و قشرها به دلیل اتصاف به بعضی از عناوین و یا انتساب به برخی افراد و یا جریان‌ها، ویژگی و حساسیت فوق‌العاده‌ای دارند و چه بسا از بعضی جهات محدودیت‌هایی داشته باشند که دیگران مشمول آن نیستند. برای نمونه قرآن کریم برای همسران پیامبر^(ص) به دلیل انتساب به رسول خدا دستورهای و رهنمودهای ویژه‌ای دارد (احزاب، ۳۲-۳۴).

در روایت‌ها و رهنمودهای معصومین^(ع) به پیروان خود نیز به این نکته برمی‌خوریم. امامان به برخی افراد به جهت انتساب به آن حضرات، توقعی بیشتر داشتند و همواره به حفظ و رعایت این جایگاه توصیه می‌کردند. امام صادق^(ع) به یکی از یاران خود به نام «شقرانی» می‌فرماید:

«إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ؛ نِيكِي مِنْ هَرِّ فَرْدِي سَرَّ بَزْنَدِ خُوبِ اسْتِ وَ مِنْ تَوْنِيكُوتَرِ اسْتِ. وَ بَدِي مِنْ هَرِّ كَسِي سَرَّ بَزْنَدِ بَدِ اسْتِ وَ مِنْ تَوْبَةِ دَلِيلِ مَوْقِعِيَّتِ وَ مَنْزَلَتِي كِهْ نَزْدِ مَا دَارِي بَدْتَرِ اسْتِ» (ابن شهر آشوب ۱۳۷۹ ج ۴: ۲۳۶). بنابراین پاسداران به دلیل انتسابشان به نظام اسلامی، تکلیفی سنگین بر دوش دارند تا بتوانند از عهده رسالت عظیم پاسداری به‌خوبی برآیند.

اهمیت این موضوع باید جز اولویت‌های تحقیقی نظام راهبردی سپاه قرار گیرد تا هر لحظه به پایش نیروهای خود در مقابل تهدیدهای اخلاقی محیط اقدام نماید. شناسایی آسیب‌های اخلاقی ضمن تشخیص رفتار نیروها به شناخت علل و راه‌حل‌دهی مناسب منجر می‌شود و اما ضرورت این موضوع نشان از آن دارد که با غفلت نمودن از آسیب‌ها ضمن دور شدن از اهداف کلان سپاه که همان تربیت انسان‌هایی با خلیات حسنه و رساندن جامعه به این اخلاق اسلامی است در نهایت نهاد سپاه از درون دچار بحران اخلاقی خواهد شد. تشخیص به موقع، درمان به موقع را نیز به همراه خواهد داشت.

اهدافی را که نویسندگان در این نوشتار دنبال می‌نمایند شناخت آسیب‌های اخلاق و رفتار سازمانی پاسداران انقلاب اسلامی بوده و در صورت امکان ارائه راه‌حل‌هایی برای جلوگیری از این آسیب‌ها و برطرف کردن رذایل اخلاقی که در سطوح مختلف سازمانی خود را نهادینه کرده است.

در این راستا سعی شده ضمن بهره‌گیری از منابع دینی اعم از آیات و روایات با راهبرد توصیفی - تحلیلی به تبیین و تشریح آن با روش خبرگی - دلفی اقدام نماید؛ بنابراین در این مقاله بر آنیم تا آسیب‌هایی که پاسداری را در حوزه اخلاق و رفتار سازمانی از منظر آیات و روایات تهدید می‌کنند مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

تعریف مفاهیم و متغیرها

واژه‌ها، وسیله‌هایی هستند که به انسان در فهم مسائل کمک می‌کنند و انسان‌ها را قادر می‌سازند که سخن یکدیگر را بفهمند و با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در اهمیت جایگاه واژگان و تفاهم در خصوص کلیدواژگان همین نکته بس که "از

کنفوسیوس پرسیدند برای رهایی از موقعیتی مشئوم چه تدابیر عاجلی باید اندیشید. او این جواب حیرت‌آور را داد: باید کاری کرد که واژه‌ها در معنای درست خود به کار روند... وقتی زبان آشفته گردد، همه چیز دچار آفت می‌شود" (یاسپرس، ۱۳۶۳، صص ۴۶-۴۷). از این رو برای انتقال بهتر مطالب و کمک به فهم بیشتر ابتدا به بررسی واژگان کلیدی و استعمال شده در این مقاله می‌پردازیم.

۱) آسیب‌شناسی

«آسیب» به معنای «آفت، بیماری، اختلال و خطر» آمده است. در فرهنگ فارسی چنین معنا شده است: زخم، عیب و نقص، درد، رنج، گزند، آزار، زیان، خسارت (معین، ۱۳۷۶: ۵۰).

آسیب‌شناسی: شناخت درد و رنج و خسارت» (عمید، ۱۳۶۳: ۴۴).

در اصطلاح هم به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد و یا از کارایی لازم می‌اندازد. برخی در تعریف آسیب گفته‌اند: «منظور از آسیب، عاملی است که سبب اختلال و ناهنجاری‌ها و آفت در پدیده‌ها می‌شود» (علی حاجی، ۱۳۸۹: ۴۳۳).

همچنین آسیب در زمره مفاهیمی است که از علم پزشکی وارد حوزه جامعه‌شناسی و علوم سیاسی شده است. از همین رو در آغاز همان معنایی از آن فهمیده می‌شود که از آسیب در علوم پزشکی مورد نظر می‌باشد؛ یعنی همان گونه که بدن به عنوان یک مجموعه نظام‌مند برای بقا تلاش می‌کند و هر عضو در این راستا وظایفی انجام می‌دهد، در جامعه و نظام سیاسی نیز بروز آسیب به معنای وجود خلل

در عضو یا اعضای است که به هر دلیل نتوانسته‌اند وظیفه خود را به نحو مطلوب انجام دهند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳).

اصطلاح آسیب‌شناسی در علوم انسانی و علوم اجتماعی نیز به کار گرفته شده و در بحث انحرافات اجتماعی و کجروی‌ها جای خود را باز نموده است. آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه بی‌سامانی‌ها، آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری و تبهکاری همراه با علل و عوامل و شیوه‌های درمان آنان و همچنین شرایط بیمارگونه و نابهنجار اجتماعی است. این مفهوم گستره‌ای بسیار وسیع داشته و از ارزش فراوانی نیز برخوردار است (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۷۱۶).

در بیانی دیگر مفهوم آسیب‌شناسی این گونه آمده است:

آسیب‌شناسی از ریشه یونانی «پاتو» به معنی رنج و محنت، احساسات و غضب و «لوژی» به معنای دانش و شناخت، ترکیب یافته است؛ بنابراین «پاتولوژی» به معنای ناخوشی‌شناسی، مرض‌شناسی، علم تشخیص امراض، مطالعه عوارض و علائم غیرکاربردی به کار می‌رود (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۳).

شهید مطهری درباره آسیب‌شناسی دینی می‌فرماید: «آسیب‌شناسی دینی، یعنی شناخت از آسیب‌ها و اشکالاتی که بر دین و معرفت دینی و دینداری و... وارد شده است و یا ممکن است وارد بشود» (مطهری، ۱۳۷۰: ۸۰).

براین اساس می‌توان گفت: آسیب‌شناسی اجتماعی عبارت است از «مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی» (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۴).

در نتیجه، از تعاریف بالا این نتیجه‌گیری حاصل می‌شود که: شناسایی علل و عواملی که سدکننده و یا حتی کندکننده مسیر تحقق دستیابی به اهداف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که در صورت تداوم می‌تواند فروپاشی سپاه را در پی داشته باشد، آسیب‌شناسی پاسداری گفته می‌شود.

۲) پاسداری

پاسداری در لغت به معنای پاسبانی (حامص مرکب)، رعایت، احترام و حرمت آمده است (دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۶، ج ۸: ۱۲۶).

و در اصطلاح، عبارت است از: نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن (الهامی‌نیا و همکاران، ۱۳۰۹: ۱۵).

بنابراین طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند (قانون اساسی ج.ا.ا، اصل ۱۵۰).

لذا منظور از پاسداری در این تحقیق، همان رسالتی است که در قانون اساسی برای سپاه بیان شده و در قانون مقررات استخدامی سپاه بر آن تأکید شده است.

برای تعریف اصطلاحی واژه پاسدار ضرورت دارد این مهم با نگاه به مسئولیت و وظیفه و در آینه آیات و روایات اسلامی مورد بازتعریف قرار گیرد تا از این طریق بتوان به معنی درستی از آن دست یافت؛ زیرا با تنوع و گستردگی مسئولیت‌ها و فعالیت‌ها و نیز موقعیت‌های گوناگون، تلقی خاص برای هریک از آنها برای دیگری قابلیت صدق نخواهد داشت. بر این اساس با بررسی و جستجویی که در

منابع اسلامی انجام گرفت، عنوان پاسدار و مراقب و محافظ با عباراتی نظیر حصون، مرابط و... برای دانشمندان، مؤمنان و متقیان و.... به کار برده شده است. به عنوان مثال امام موسی کاظم^(ع) در روایتی این گونه می فرماید:

«أن المؤمنين الفقهاء حصون الإسلام كحصن سور المدينة لها؛ مؤمنان فقیه دژهای اسلام اند مانند باروی شهر که بر گرد آن است» (کلینی، ح ۴۷۵۲؛ ۱۴۰۷).

این حدیث در واقع فقها را موظف و مأمور می کند که نگهبان باشند، و از عقاید و احکام و نظام اسلام نگهبانی کنند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی^(ره) نیز در این باره می فرماید:

«این که فرموده اند فقها حصون اسلام اند؛ یعنی مکلف اند اسلام را حفظ کنند و زمینه ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند و این از اهم واجبات مطلق می باشد نه مشروط» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶۷).

همین طور امام صادق^(ع) با تعبیری جدید از علمای دین به عنوان مرابطون یاد می کنند و در این باره می فرماید:

«علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر - الذی یلی ابلیس و عفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا، و عن أن یتسلط علیهم ابلیس و شیعتہ. علمای شیعه ما، نگهبانان مرزی هستند که در آن سویس ابلیس و دیوهای او قرار دارند و جلوی شورش آنها به شیعیان ناتوان ما و تسلط یافتن ابلیس و پیروان او بر آنان را می گیرند» (حسن بن علی، امام یازدهم^(ع)، ۱۴۰ ق: ۱۳۸).

با بررسی و نیز توجه به مسئولیت و وظیفه در تعریف اصطلاحی پاسدار می‌توان گفت که عنوان پاسدار در منابع اسلامی بر کسی اطلاق شده است که مسئولیت نگهبانی، حراست و سنگربانی از دین خدا را بر عهده دارد و این مهم برای سپاه و کارکنان آن (که مسئولیت حفاظت و حراست از انقلاب اسلامی را بر عهده دارند) به‌عنوان جلوه‌گاه و تجلی‌گاه اسلام ناب و حاصل مرارت‌ها و سختی‌های پیامبران، مؤمنان، دانشمندان و... نیز قابل تطبیق است و می‌توان به این نتیجه دست یافت که کار این عزیزان در راستای کاری است که دانشمندان، مؤمنان و متقیان و همه آن‌هایی که برای نشر و گسترش دین خدا انجام می‌دهند می‌باشد؛ پس پاسدار در اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن محافظت می‌کند و این وظیفه علاوه بر وظیفه ذاتی هر مسلمان به‌عنوان وظیفه سازمانی در مجموعه‌ای به نام سپاه بر دوش کارکنان آن نهاد گذاشته شده است که پاسدار نامیده می‌شوند (مشایخی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۱).

البته این به این معنی نیست که غیر این گروه و غیر از این سازمان کسی این کار را انجام نمی‌دهد، بلکه همه کسانی که در راه اعتلای ارزش‌های اسلامی و گسترش آن‌ها قدمی بردارند در واقع پاسدار و سنگربان دین خدا تلقی می‌شوند، اما مشخصاً با توجه به‌عنوان مقاله، محور بحث در مورد آسیب‌هایی که کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند می‌باشد.

نکته قابل توجه این است که بین وظیفه سازمانی و عنوان کارکنان آن تناسب معنایی معناداری وجود دارد و این دو لازم و ملزوم یکدیگر است؛ به دیگر سخن عنوان پاسدار با وظیفه و مأموریت سپاه کاملاً منطبق، و عنوان متناسب با وظیفه است؛ به‌گونه‌ای که اگر روزی این مأموریت از دوش سپاه برداشته و مسئولیت دیگری به

این نهاد مقدس واگذار شود، دیگر نمی‌توان این تناسب عنوان با وظیفه را به‌خوبی مشاهده کرد و چه بسا عنوان پاسدار در واقع با مسئولیت سازمانی جدید قرابتی نداشته باشد و فقط در ظاهر چنین عنوانی بر کارکنان این سازمان صدق کند و نیاز به تجدید نام کارکنان این سازمان نیز باشد.

اخلاق

اخلاق، جمع خلق یا خلق به معنای صورت باطنی و ناپیدای انسان است که سرشت و سیرت نیز نامیده می‌شود؛ چنان‌که خلق بر صورت ظاهری و دیدنی انسان دلالت دارد (زبیدی، ۱۳۸۵ ق ج ۱۳، ص ۱۲۴).

خلق در اصطلاح، ملکه‌ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن، از انسان صادر می‌شود. «ملکه» آن دسته از کیفیات نفسانی است که به‌کندی از بین می‌رود، در برابر دسته دیگری از آن به نام «حال» که به‌سرعت زوال می‌پذیرد (رازی فخرالدین ۱۴۱۱ ق: ج ۱: ۵۰۹).

ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاحی خلق بدین‌گونه است که صورت باطنی انسان را کیفیات نفسانی وی می‌سازد؛ چنان‌که صورت ظاهری وی را کیفیات جسمانی او رقم می‌زند.

با توجه به معنای اصطلاحی، تنها به قوه انجام دادن کار، خلق گفته نمی‌شود؛ زیرا رابطه خلق با انجام دادن کار، بیش‌ازحد مذکور است. نسبت خلق با انجام دادن کار مانند نسبت آمادگی و مهارت کاتب با نوشتن حروف و کلمات است که به سهولت و بدون فکر صورت می‌گیرد؛ چنان‌که خلق بر خود فعل انجام گرفته نیز اطلاق نمی‌شود و فقط بر مصدر روحی و نفسانی انجام دادن کار اطلاق می‌گردد (همان).

(۱) حقیقت پاسداری

حقیقت پاسداری، مجهز شدن به جهاز عظیم ایمان، جهاد و شهادت فی سبیل الله است چنانچه این حقیقت در ملتی متجلی شود، معجزه خواهد آفرید و موفقیت‌های بزرگی را با خود به ارمغان خواهد آورد؛ پس از این منظر، حقیقت پاسداری را در نگاه قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) تبیین می‌نماییم.

(الف) حقیقت پاسداری در نگاه قرآن

با توجه به موارد و مصادیق گوناگون پاسداری، می‌توان حقیقت پاسداری را در هر مورد، متناسب با آن تعریف و تبیین کرد. منظور از طرح این عنوان، تبیین حقیقت پاسداری از دین و انقلاب و سرحدات کشور اسلامی، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و مانند آن است.

بر اساس آیات قرآنی آنچه به پاسداری روح می‌بخشد، صرف محافظت و حراست نیست. آن انگیزه مقدس و الهی، ایمان، جهاد، شهادت فی سبیل الله و اموری از این قبیل است که حقیقت پاسداری را تشکیل می‌دهد و به پاسدار حریم دین و قرآن، هویت حقیقی می‌بخشد.

پاسداری با چنین حقیقتی مورد توصیه و تأکید اسلام است. آیات متعدد قرآن مؤمنان را به پاسداری با ویژگی‌های یادشده، دعوت می‌کنند. بودند افرادی که در ظاهر وارد معرکه شدند و خواستند خود را در جرگه پاسداران راستین قرار دهند و چه بسا جان خود را دادند، ولی به دلیل تهی بودن از آن حقیقت، در تاریخ اسلام به قتل حمار ملقب شدند (فیض کاشانی ۱۳۷۳: ۱۰۴).

حقیقت پاسداری در نگاه قرآن کریم، بهره‌وری عالی از جان و مال و امکاناتی است که خداوند در اختیار انسان گذاشته است. قرآن، جامعه ایمانی را به چنین حقیقتی دعوت می‌کند:

«يا أيها الذين آمنوا هل أدلكم على تجارةٍ تنجيكم من عذاب أليم تؤمنون بالله ورسوله وجاهدون في سبيل الله بأموالكم و أنفسكم ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتی که از عذاب دردآور رهایی‌تان دهد راه بنمایم؟ به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کنید؛ و این برای شما بهتر است، اگر دانا باشید» (صف (۶۱)، ۱۰ و ۱۱).

در این آیه شریفه ایمان و جهاد تجارت به حساب آمده که سرمایه‌اش جان آدمی و ربح آن نجات از عذاب دردناک است و آیه شریفه در معنای این آیه است: ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون... فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به. خدای عزوجل با نکره آوردن کلمه تجارة آن را بزرگ داشته. فرمود: شما را به تجارتی راه بنمایم؛ یعنی به تجارتی مهم و عظیم و جلیل‌القدر؛ و در بیان ربح آن هم که همان نجات از عذاب است، بیان نکرد چه عذابی است و فرمود عذابی تا بفهماند آن قدر بزرگ است که در بیان نمی‌گنجد.

پس از این آیات، آثار و برکات وجود این حقیقت را در زندگی یک ملت این‌گونه بیان می‌نماید:

«يغفر لكم ذنوبكم و يدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار و مساكن طيبة في جنات عدن ذلك الفوز العظيم و أخرى تحبونها نصر من الله و فتح قريب و بشر المؤمنين؛ (اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت

داخل می‌کند که نه‌رها از زیر درختانش جاری است و در مسکن‌های پاکیزه در بهشت جاویدان جای می‌دهد؛ و این پیروزی عظیم است! و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می‌بخشد و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ!) «(صف ۶۱، ۱۲-۱۳).

در مرحله پاداش اخروی نخست به سراغ آمرزش گناهان می‌رود؛ چراکه بیشترین ناراحتی فکر انسان از گناهان او است. وقتی آمرزش و غفران مسلم شد غصه‌ای ندارد. این تعبیر نشان می‌دهد که نخستین هدیه الهی به شهیدان راهش این است که تمام گناهانشان را می‌بخشد.

چه تجارت پرسود و پربرکتی که سراسرش فتح و پیروزی و نعمت و رحمت است و به همین دلیل از آن به عنوان فوز عظیم و پیروزی بزرگ یاد کرده است. سپس به همین دلیل به مؤمنان در مورد این تجارت بزرگ تبریک می‌گوید و بشارت می‌دهد و می‌افزاید: و مؤمنان را بشارت ده (و بشر المؤمنین) (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۳ ج: ۲۴: ۹۳-۹۱).

حقیقت پاسداری، سودایی است مقدس که در یک طرف آن خداوند متعال قرار دارد و در طرف دیگر انسانی که جان و مال و تمام هستی خود را در طبق اخلاص نهاده و به محبوب حقیقی‌اش پیش کش می‌کند؛ همان که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ؛ خداوند از مؤمنان، ژوئن‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند» (توبه ۹، ۱۱۱).

در این آیه خداوند خود را خریدار و مؤمنان را فروشنده معرفی کرده و می گوید خداوند از مؤمنان ژوئن ها و اموالشان را خریداری می کند و در برابر این متاع، بهشت را به آنان می دهد (ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة) و از آنجا که در هر معامله در حقیقت پنج رکن اساسی وجود دارد که عبارت اند از خریدار، فروشنده، متاع، قیمت و سند معامله، خداوند در این آیه به تمام این ارکان اشاره کرده است. خودش را خریدار و مؤمنان را فروشنده و ژوئن ها و اموال را متاع و بهشت را ثمن (بها) برای این معامله قرار داده است. منتها طرز پرداخت این متاع را با تعبیر لطیفی چنین بیان می کند: آن ها در راه خدا پیکار می کنند و دشمنان حق را می کشند و یا در این راه کشته می شوند و شربت شهادت می نوشند (یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون) در حقیقت دست خدا در میدان جهاد برای تحویل گرفتن این متاع اعم از جان و یا اموالی که در جهاد مصرف می شود آماده است.

با توجه به تعبیر (فی سبیل الله) به خوبی روشن می شود که خداوند خریدار ژوئن ها و تلاش ها و کوشش ها و مجاهدت هایی است که در راه او صورت می گیرد؛ یعنی در راه پیاده کردن حق و عدالت و آزادی و نجات انسان ها از چنگال کفر و ظلم و فساد (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۳ ج: ۲۴: ۱۴۹).

پس از آن، ویژگی های هویتی ایشان را این گونه برمی شمارد:

«التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف والنهون عن المنکر والحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین؛ توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران،

آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان! (توبه (۹)، (۱۱۲).

التائبون العابدون الحامدون السائحون... این جمله مؤمنین را به نیکوترین صفاتشان توصیف می‌کند؛ و اینکه همه اوصاف ایشان را با صدای پیش آورده، برای این است که خبر آن‌ها مبتدایی محذوف و تقدیر آن: المؤمنون هم التائبون العابدون... است؛ یعنی مؤمنان به خاطر اینکه از غیر خدا به سوی خدا بازگشت کردند تائبان و چون او را می‌پرستند عابدان و چون با زبان، حمد و سپاس او گویند حامدان و چون با قدم‌های خود از این معبد به آن معبد می‌روند سائحان و به خاطر رکوع و سجودشان راکعان و ساجدان‌اند.

این وضع ایشان در حال انفرادی است، اما وضعشان نسبت به حال اجتماع، آن‌ها مانند دیدبانانی هستند که اجتماع خود را به سوی خیر سوق می‌دهند، یعنی امر به معروف و نهی از منکر نموده، حدود خدایی را حفظ می‌نمایند، نه در حال انفراد، نه در حال اجتماع، نه در خلوت و نه در ظاهر از آن حدود تجاوز نمی‌کند. آنگاه با اینکه خداوند در آیه قبل، خودش بشارتشان داده بود اینک به رسولش دستور می‌دهد به اینکه ایشان را بشارت دهد و این خود تأکید را می‌رساند، آن هم تأکید بلیغی که نمی‌توان حد و مرزی برایش قائل شد (طباطبایی، ۱۳۷۱ ج: ۹: ۵۴).

این گونه ویژگی‌هاست که روح و حقیقت پاسداری را تشکیل می‌دهد و همین حقیقت است که برای پاسداران انقلاب اسلامی از جان و مال و آبرو و زن و فرزند و تمام هستی گذشتن را در راه دین برای انسان آسان می‌سازد و افراد برخوردار از آن به راحتی وارد معرکه می‌شوند و هستی خود را پای دین و آیین الهی قربانی می‌کنند.

ب) حقیقت پاسداری در نگاه روایات

ماهیت حقیقی پاسداری در نگاه روایات نیز از مرز محافظت و حراست سطحی و ظاهری فراتر رفته، ابعاد گوناگونی به خود می‌گیرد. همان ایمان، انگیزه مقدس، تلاش و مجاهدت خستگی‌ناپذیر در راه خدا، فداکاری در راه دین، گذشتن از همه چیز در یاری دین در اینجا مطرح است.

از حقیقت پاسداری در نگاه روایات می‌توان با واژه «مرباطه» با ویژگی‌های هویتی یادشده برای پاسداری در آیات، تعبیر آورد. رسول خدا^(ص) درباره اهمیت مرزبانی می‌فرماید:

«رباط یوم فی سبیل الله خیر من الدنیا و ما علیها؛ یک روز مرزبانی در راه خدا بهتر است از دنیا و آنچه در آن است» (ری شهری؛ ۱۳۸۶ ج ۲: ۱۳۳).

«رباط» و «مرباطه» به معنای مرزبانی، سنگرداری و دیده‌بانی است و این معنا نوعاً در خطوط مقدم و در مرزهای نزدیک به دشمن و بیگانه صورت می‌گیرد (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳۱۱)، ولی می‌توان گفت که این مرزبانی و پاسداری منحصر در مرزهای جغرافیایی نیست و توسعه دارد و همه ابعاد مرزبانی از دین - اعم از بعد فکری و عقیدتی، اجتماعی و سیاسی، نظامی و دفاعی - را در برمی‌گیرد.

پاسداری به مفهوم مرزبانی دین و راه خدا در ابعاد مختلفی تجلی می‌یابد و پاسدار راه خدا باید در همه آن ابعاد به مرزبانی بپردازد. تحقق این حقیقت، در جای خود به شناخت کامل دین و احاطه به همه جوانب آن است.

۲) اهمیت و ضرورت آسیب‌شناسی پاسداری

واقعیت زندگی نشان داده است که هر جا سخن از زندگی و موجود زنده است، آفت‌ها، تضادها و تزاخم‌ها نیز وجود دارد و در این میان موجودی به حیات خود ادامه می‌دهد که بتواند در برابر آفت‌ها ایستادگی کرده تضداد خود را از پای درآورد. موانع حیات آنگاه که درونی شود و چون ویروس یا سلول سرطانی در لابه‌لای عناصر وجودی موجود زنده جای گیرد و پنهان شود به صورت یک آفت بروز می‌کند و زمانی که به صورت تهاجم از بیرون به ارگانیسم حیاتی هجوم آورد به عنوان یک دشمن و ضد شناخته می‌شود؛ موجود زنده برای ادامه حیات خویش ناگزیر است در دو میدان درونی و بیرونی با آفت‌ها و تضداد خود مبارزه کند. جوامع بزرگ انسانی، تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرپا، پیش از آن و بیش از آنکه به وسیله دشمنان بیرونی از پای درآمده و به افول گرایند، از درون تهدید شده و قدرت و انگیزه مقاومت و حیات را از دست داده‌اند؛ بنابراین راز ماندگاری و پایداری حیات در یک ارگانیسم زنده و تپنده، در بازسازی مداوم درونی آن نهفته است (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۴).

پس انسان برای ادامه حیات و آسایش و آرامش خود ناگزیر است به دردها، نارسایی‌ها، آفت‌ها و آسیب‌های زندگی بیندیشد و برای درمان و جبران آن‌ها چاره‌ای بیندیشد و گرنه گرفتار مرگ زودرس، یا زندگی‌ای پردرد و رنج خواهد شد. چنان که جامعه انسانی نیز باید برای حل بحران‌های گوناگون فکری، اعتقادی، روحی، عاطفی، اقتصادی و... و برای شناسایی آسیب‌ها و رفع و دفع آن‌ها چاره‌ای بیندیشد و گرنه از درون، قابلیت تداوم حیات را از دست می‌دهد و به صورت موجودی فلج، ناکارآمد و زجرآور به زندگی ادامه می‌دهد تا نابود شود.

بررسی آسیب‌های پاسداری در حوزه رفتار سازمانی از منظر آیات و روایات

دین مقدس اسلام با ارزش‌ترین موهبتی است که از جانب خداوند متعال به انسان عطا شده است. خداوند خود حافظ و نگهبان این گنجینه است، اما چون خداوند مأموریت‌ها و اهداف را با اسباب محقق می‌سازد پاسداری از این مکتب را به نیابت واگذار می‌نماید. بر همین اساس انبیا را برانگیخت تا نگهبان و نگهدار این موهبت الهی باشند. از آنجا که انسان هیچ‌گاه از هدایت و تربیت انسان‌های الهی بی‌نیاز نیست و همواره به چهره‌های صالح و شایسته محتاج است تا با اقتدای به سیمای فکری و اعتقادی و علمی و عملی و اخلاقی آنان درس فضیلت بیاموزد و راه سعادت دنیا و آخرت خویش را بیابد، در واقع یکی از دلایل استمرار امامت و خالی نبودن زمین از حجت که از مسلمات آیین ماست در همین نکته نهفته است؛ بنابراین پس از انبیا ائمه معصومین^(ع) و در دوران غیبت عالمان بزرگ رسالت پیاده‌سازی دین الهی، شکل‌دهی نظام دینی و بقای شریعت و پاسداری از آن را بر عهده دارند. در دوران معاصر با تلاش علمای بزرگ به‌ویژه حضرت امام^(ره) زمینه تشکیل حکومت الهی با محوریت ولایت فقیه فراهم شده و از جمله وظایف رهبری و مردم و بسیاری از نهادها و از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پاسداری و صیانت از انقلاب اسلامی و نظام دینی است. پسمی‌بایست مردان سپاه، دارای عالی‌ترین و کامل‌ترین روحیه و محل بروز نمونه‌های مجاهدت و فداکاری در راه خدا و دین و حقیقت باشند. همچنین باید اهل عمل باشند و گفتارشان عین عملشان و از آن غیر قابل تفکیک باشد. در غیر این صورت فاقد شیء، معطی شیء نخواهد بود؛ بنابراین آسیب‌هایی که پاسداران انقلاب اسلامی را در حوزه اخلاق و رفتار سازمانی تهدید می‌کنند عبارت‌اند از:

۱) ضعف در شناخت ارکان انقلاب و حمایت از آنها

پاسدار انقلاب اسلامی باید بداند که انقلاب اسلامی از سه رکن اصلی «مکتب، مردم و رهبری» تشکیل شده است:

رکن اول؛ مکتب: هر انقلابی مجموعه ارزش‌ها و راهنماهایی برای خود دارد که مکتب آن را تشکیل می‌دهد. مکتب انقلاب اسلامی همان‌طور که از نامش برمی‌آید اسلام بوده و هست.

رکن دوم؛ مردم: نقش مردم در نظام ولایی بسیار ارزشمند است. در این باره گفتنی است: اصلی‌ترین قانون نظام اسلامی قرآن مجید است و در این کتاب مقدس به امر زیر تصریح شده است:

• **نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش:** انسان‌ها و جوامع انسانی از نگاه اسلامی مختار هستند و می‌توانند بر اساس آنچه در درونشان می‌گذرد بر سرنوشت خود مؤثر باشند.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد (۱۳)، ۱۱).

قانون الهی این است که سرنوشت ملت‌ها بر اساس آنچه در درون یک ملت می‌گذرد شکل گیرد. چنین امری حکایت از آن دارد که هر ملتی می‌تواند ستاره بخت خود را خوب یا بد رقم بزند و نیز نشان می‌دهد فرهنگ ملت‌ها نقش مؤثری در ساختن زیربنای آینده آنان دارد.

- **لزوم مشورت با مردم:** قرآن مجید در آیاتی چند بر لزوم مشورت مؤمنان در کارهای اجرایی و مشورت حاکمان دینی با مردم تأکید می‌ورزد:

«و شاورهم فی الأمر؛ و در کار[ها] با آنان مشورت کن» (آل عمران (۳)، ۱۵۹).

مشورت خواستن از مردم، دلیلی بر تأیید توان عقلی فکری آنان و حکایت از احترام به شخصیت والای مردم دارد. ازاین‌رو، این آیات نشانه دیگری از جایگاه مهم و سرنوشت‌ساز مردم در نظام ولایی اسلام است. چنانکه برگزاری انتخابات متعدد در ایران اسلامی نشان داده است که در عمل نیز به این اصل مهم قرآنی ارج می‌نهم.

- **کرامت فرزندان آدم:** دلیل دیگری که ادعای مخالفان را نقش بر آب می‌کند، کرامت و بزرگواری خاصی است که خدای بزرگ به فرزندان آدم بخشیده است:

«و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً؛ و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم» (اسراء (۱۷)، ۷۰).

- **محکومیت تبعیض نژادی:** خدای بزرگ به یک نژاد، رنگ و یا یک ملت به‌خصوص ارجحیتی نداده است، بلکه همه انسان‌ها را دارای کرامت و شرافت ذاتی می‌داند.

«یا أیها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا إنا أکرّمکم عند الله أتقاکم ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت

ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست» (حجرات (۴۹)، ۱۳).

در روایات معصومین^(ع) نیز می‌توان نشانه‌های بسیار یافت که مستقیم یا غیر مستقیم بر عظمت جامعه ایمانی دلالت می‌کند:

- **عزیزتر از کعبه:** هر مسلمانی وظیفه دارد روزانه پنج نوبت به‌سوی کعبه نماز بخواند و در صورت امکان دست کم یک‌بار به زیارت خانه خدا برود. شاید باورش دشوار باشد، اما از نظر اسلام، احترام مؤمن از احترام کعبه بیشتر است. و این نشان از عزت و احترام مؤمنان نزد خدای بزرگ است. امام صادق^(ع) فرمود: «المؤمن أعظم حرمة من الكعبة: حرمت مؤمن از کعبه بزرگ‌تر است» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ج ۱؛ ص ۲۷).

بر این اساس، مردم در نظام ولایی محبوب مؤمنان و همه ارکان حکومت اسلامی هستند.

رکن سوم؛ رهبری: رهبری در نظام اسلامی بر عهده امام معصوم^(ع) و در شرایط عدم دسترسی، بر عهده مجتهد عادل و مدیر و مدبر است.

پس بر پاسدار انقلاب لازم است که این سه رکن را به‌خوبی شناخته و آن‌ها را قویا حمایت نماید.

(۲) دوری از ایثار و شهادت طلبی

یکی از آسیب‌هایی که پاسداری را تهدید می‌کند دوری از ایثار و شهادت طلبی است؛ زیرا یکی از ویژگی‌های برجسته پاسداری از دین و انقلاب اسلامی،

پاک‌بازی و فداکاری در راه هدف مقدس و داشتن روحیه شهادت‌طلبی است. پاسداران تا از خود نگذرند و حصار نفس را درهم نشکنند، نمی‌توانند از خاک‌ریزهای دشمن عبور کنند.

اصولا ماهیت جهاد و پاسداری از ایمان و عقیده چنین است که باید خود را سپر کرد و از سرمایه هستی و زندگی، یعنی جان و مال و اولاد دل شست.

در فرهنگ اسلامی شهادت به‌عنوان یکی از والاترین ارزش‌ها و شهیدان از بلندمرتبه‌ترین انسان‌ها هستند و مردان خدا همواره آرزوی شهادت در سر می‌پرورانند و از مرگ طبیعی در بستر بیزار بودند و شهادت را هزاربار از آن برتر می‌دانستند و حاضر بودند، ضربات زیادی بر پیکرشان وارد شود و شربت شهادت بنوشند ولی در بستر نمیرند؛ چراکه جان انسان بزرگ‌ترین هدیه الهی است و چه بهتر که این هدیه الهی نثار راه او شود، نه این که در بستر مرگ به هدر رود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فوق کل ذی بر بر حتی یقتل الرجل فی سبیل الله فإذا قتل فی سبیل الله فلیس فوقه بر؛ بالاتر از هر خیر و نیکی، خیر و نیکی وجود دارد تا انسان در راه خدا کشته شود که بالاتر از کشته شدن در راه خدا، خیر و نیکی یافت نشود (کلینی، ۱۴۰۷ ج ۲: ۳۴۸).

آری مقام شهدا، در فرهنگ اسلام فوق‌العاده زیاد است و همان‌ها بودند که در هنگام خطر، اسلام را بیمه کردند و اگر فداکاری‌های شهدایی همچون شهدای «بدر» و «احد» یا «شهیدان کربلا». یا «شهیدان انقلاب و هشت سال دفاع مقدس» نبود، شاید امروز خبری از اسلام و انقلاب نبود.

۳) ضعف بصیرت انقلابی

یکی از آسیب‌هایی که پاسداری را تهدید می‌کند ضعف بصیرت انقلابی است. بصیرت از کلیدواژه‌های راهبردی در حوزه معرفت و شناخت و نیز روابط اجتماعی و سلوک انسان مسلمان در رفتار فردی و اجتماعی به حساب می‌آید؛ زیرا شناخت و رعایت آن ضامن توفیق جبهه حق در مهار فتنه و عمل به عکس آن، ضامن موفقیت جبهه باطل در فتنه می‌گردد.

بصیرت در لغت: به معنای بینایی، دانایی، زیرکی، هوشیاری، بینش، آگاهی، چشم خرد (دهخدا، ۱۳۴۶ ج ۸: ۱۴۷) و در فرهنگ قرآنی به معنای رویت قلبی و باطنی است (طباطبایی، ۱۳۷۱ ج ۲۰: ۱۰۷).

بصیرت در اصطلاح: عبارت است از شناخت روشن و یقینی دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه، دوست و دشمن، حق و باطل (محدثی، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

بصیرت در قرآن: از دیدگاه قرآن کریم بصر غیر از بصیرت است. بصر حس بینایی است که جمعش ابصار است، اما بصیرت جمعش بصائر است. بصیرت یعنی حکمت و تشخیص سره از ناسره. قرآن کریم به پیامبر^(ص) می‌فرماید:

«قل هذه سبيلي أدعوا إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعني؛ بگو: این راه من است من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم!» (یوسف ۱۰۸، ۱۲).

اینکه فرمود: قل هذه سبيلي اعلام راه اوست و جمله ادعوا إلى الله على بصيرة بیان راه اوست و با جمله انا و من اتبعني، خواسته بفرماید: بار این دعوت تنها بدوش من

نیست، بلکه بدوش کسانی هم که مرا پیروی کرده‌اند هست، پس با این جمله دعوت را توسعه و تعمیم داده و می‌فهماند با اینکه راه، راه رسول خدا (ص) است، اما بار دعوت به آن تنها به دوش آن جناب نیست (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۳۷۹).

لذا به تعبیر قرآن کریم برخی چشم دارند اما نمی‌بینند؛ این به آن معنی است که فاقد بینش و درک مسائل سیاسی هستند.

«و إن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعون و تراهم ينظرون إليك و هم لا يبصرون؛ و اگر آن‌ها را به [راه] هدایت فرا خوانید، نمی‌شنوند و آن‌ها را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند در حالی که نمی‌بینند» (اعراف، (۷)، ۱۹۸).

بصیرت، چشم بینای دل و نورافکن برای تشخیص راه درست از نادرست و تشخیص حق از باطل است. کسی که چشم سر نداشته باشد می‌تواند راه خود را پیدا کند، ولی کسی که بصیرت نداشته باشد نمی‌تواند راه خود را پیدا کند. در بیان دیگری حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«و لا يحمل هذا العلم إلا أهل البصر و الصبر و العلم بمواضع؛ این علم فرماندهی و مدیریت و امامت و پیشوایی را کسی نمی‌تواند حمل کند مگر دارای بصیرت و پایداری و علم به مواضع حق باشد» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ص ۲۴۸).

۴) ضعف دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی

از دیگر الزامات پاسداری از انقلاب اسلامی و حکومت دینی، شناخت دشمن است. سرلوحه حرکت انبیاء، شناساندن دشمن بوده و در قرآن بیش از ۱۵۰۰ آیه در مورد دشمن‌شناسی وجود دارد که حاکی از توجه قرآن به این موضوع است. به‌ویژه

انقلاب اسلامی ایران که با طیف‌های گسترده‌ای از دشمنان خارجی و داخلی روبه‌رو است و بیش از هر چیزی فرماندهان و نهادها در جبهه اصلی مصاف با دشمن باید در این زمینه آشنایی کامل از ماهیت دشمنان انقلاب، راهبرد، جهت‌گیری، انگیزه، سنگر، سلاح، قدرت و توان دشمن داشته باشند.

در روایتی از پیامبر اعظم (ص) آمده است:

«أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رِبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ؛ اندیشمندترین مردم بنده‌ای است که پروردگار خود را بشناسد و بر اساس آگاهی و شناخت فرمانبردارش باشد و دشمن خویش را بشناسد و در برابرش بایستد» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۳۷).

در این میان شناخت دشمن پنهان و حیل‌های پنهانی او که زیر لایه‌هایی از پوشش و در پرده‌ای از نفاق عمل می‌کند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

به همین دلیل از مجموع یک هزار و پانصد آیه قرآن پیرامون دشمن‌شناسی، سیصد مورد آن در زمینه نفاق‌شناسی است. در بیانی امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«أكبر الأعداء أخفاهم مكيدة؛ بزرگ‌ترین دشمنان کسانی هستند که حیل‌های خصمانه خود را مخفی‌تر می‌کنند» (لثی واسطی، ۱۳۷۶؛ ص ۱۲۶).

به یقین می‌توان گفت بیشترین لطمه‌ای که جبهه حق و جریان‌های دینی و دین‌مدار و اصولگرا متحمل شده‌اند، از همین جهت و عدم شناخت دشمن و حیل‌های پنهانی او بوده است. امت و ملتی می‌توانند از انقلاب و اصول و ارزش‌ها پاسداری کنند که دشمنان زمان خود را بشناسند و در دام آن‌ها نیفتند.

بنابراین وظیفه دینی، شرعی و ملی هر مسلمان به‌طور عام و وظیفه نهاد و نیروهای سپاه پاسداران این است که هرچه بهتر دشمنان آشکار و پنهان و شیوه‌ها و راهکارهای آنان را بشناسند و درصدد مقابله با آن‌ها برآمده و توطئه‌شان را خنثی نمایند.

۵) کوتاهی در شناخت و ستیز با دشمنان داخلی و خارجی نظام

پاسدار انقلاب اسلامی زمانی انقلابی خواهد بود که مدافع حق بوده و با ستم و باطل سر ستیز داشته باشد. به سخن دیگر، همواره با جریان حق همراه باشد و از جریان باطل که همان دشمنان داخلی و خارجی نظام هستند دوری گزیند. برای شناخت حق و باطل، ابتدا باید جریان حق و باطل را شناخت. نباید به افراد توجه کرد. انسان‌ها در معرض خطا هستند و هر لحظه ممکن است خطا کنند. همچنین نباید به مسائل جزئی توجه کرد. ممکن است در برخی از مسائل کم‌اهمیت، در جبهه حق اشتباه‌هایی رخ دهد یا در جبهه باطل حرف درستی زده شود. سیر کلی را باید دید که در مسیر حق است یا باطل، در این‌باره حدیث امیرالمؤمنین علی^(ع) راهگشاست:

«إن دین الله لا یعرف بالرجال بل بآیة الحق فاعرف الحق تعرف أهله؛ دین خدا با افراد سنجیده نمی‌گردد، بلکه نشانه‌های حق را باید معیار بگیری، حق را بشناسی تا اهل آن را تمیز دهی» (مفید، ۱۴۱۳: ۵).

پرهیز از ستمگری و ستیز با ستمگران، دو رکن مهم تحقق عدالت در سطح جامعه است. پاسداران انقلاب اسلامی؛ یعنی پاسداران عدالت و دادگری در درجه نخست

باید همه رفتارهای شخصی و عملکرد سازمانی آنان بر عدالت و حدود و ثغور شرعی و قوانین و مقررات سازمانی استوار باشد.

شاخص‌ترین الگوی پاسداران در ستیز با ستمگران، سالار شهیدان، حضرت حسین بن علی^(ع) است که همه هستی خود و خانواده‌اش را در طبق اخلاص نهاد و با استقبال از شهادت، لحظه‌ای زیر با ستمگران نرفت.

«ألا ترون أن الحق لا يعمل به و أن الباطل لا يتناهى عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله محققاً فإني لا أرى الموت إلا سعادة و لا الحياة مع الظالمين إلا برماً؛ مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد. باید انسان معتقد طرفدار حق دل به لقاء الله ببندد (و به راستی آماده شهادت شود)؛ زیرا من مرگ را چیزی جز خوشبختی، و زندگی با ستمگران را چیزی جز مایه دلتنگی نمی‌بینم» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵).

شهید شدن و یا مسموم گشتن معصومان^(ع) به دست دشمنان ستمگرشان، گویاترین دلیل بر حرکت آنان در مسیر مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی است.

بنابراین یکی از وظایف سنگین پاسداران این است که با تخصص رزمی در سایه تعهد و تعبد به مکتب اسلام، بتوانند در مواقع لازم و هنگام هجوم لشکر بیگانه و یورش ارتش اجانب، حملات و خطرات دشمن را دفع و از تهاجم و پیشروی آنها جلوگیری و شرشان را از سر مردم کوتاه نمایند و حافظ حدود و مرز میهن و کشور باشند.

۶) مرعوب شدن در مقابل عده و عده دشمن

یکی از آسیب‌هایی که پاسداران انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند مرعوب شدن در مقابل عده و عده دشمن است. درحالی‌که دشمنان کوردل انقلاب اسلامی، همواره به اقدامات تئوریک و عملی خود برای مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، ادامه داده و به شیوه‌های مختلف، اسلام، نظام سیاسی، ارکان قدرت، وحدت و تمامیت ارضی، امنیت ملی و حیات سیاسی ما را تهدید می‌کنند؛ بنابراین آمادگی همه‌جانبه پاسداران به‌ویژه «آمادگی نظامی» آن‌ها و مرعوب نشدن در مقابل عده و عده دشمن، یک تکلیف و امری لازم است.

درحالی‌که این صفت رذیله ترس و مرعوب شدن در مقابل عده و عده دشمن آثار نامطلوب بسیار زیادی در سراسر زندگی انسان‌ها دارد و به یقین یکی از عوامل قطعی شکست و زبونی و ذلت است. در احادیث اسلامی نکوهش از این رذیله اخلاقی بازتاب گسترده‌ای دارد از جمله:

الف) امام باقر^(ع) می‌فرماید:

«لایکون المؤمن جبانا و لاحریصا و لاشحیحا؛ انسان با ایمان نه ترسوست و نه حریص و نه بخیل»! (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ حدیث ۱۰۳۴۹).

از این تعبیر به‌خوبی استفاده می‌شود که «ترس» و «حرص» و «بخل» با روح ایمان سازگار نیست؛ چراکه مؤمن، متکی به خداست و آن کس که چنین تکیه‌گاهی دارد ترسی به خود راه نمی‌دهد و نه بخیل و حریص است؛ زیرا او به فضل و کرم الهی امیدوار است و باین حال حرص و بخلی به او راه نمی‌یابد.

ب) در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی^(ع) می‌خوانیم:

«الجبن و الحرص و البخل غرائز سوء یجمعها سوء الظن بالله سبحانه؛ ترس و حرص و بخل، صفات زشتی است که در سوءظن به خداوند سبحان خلاصه می‌شود!» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ حدیث ۱۰۳۵۱).

این حدیث توضیح دیگری است بر آنچه در حدیث بالا آمد و ریشه اصلی این صفات رذیله را تبیین می‌کند؛ زیرا افراد باایمان دارای توکل و امید به لطف خداوند و اعتقاد به وعده‌های او هستند و چنین کسانی هرگز سست و زبون نخواهند شد و از حوادث هر قدر بزرگ باشد نمی‌ترسند و مرعوب عده و عده دشمن نمی‌شوند.

۷) بی‌توجهی به تعهد و انضباط کاری

یکی از آسیب‌هایی که پاسداران انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند بی‌توجهی به تعهد و انضباط کاری است.

تعهد در لغت به معنای حفظ و نگه‌داشتن چیزی و مراعات نمودن آن که مراعات آن لازم است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵ ج ۲: ۶۶۰).

و در اصطلاح اداری و سازمانی یعنی انسان خود را متعهد و متعلق به سازمانی بداند که در آن مشغول به کار است؛ به اهداف آن ایمان داشته باشد و در تحقق آن از هیچ کوششی دریغ نرزد.

آموزه‌های دینی بر ابعاد تعهد با موضوعاتی مانند وفاداری، مسئولیت‌پذیری و نگرش به کار به عنوان تکلیف تأکید می‌کنند.

قرآن کریم درباره مؤلفه وفاداری می‌فرماید:

«و بعهد الله أوفوا»؛ و به پیمان خدا وفا کنید (انعام (۶)، ۱۵۲).

یکی از ملاک‌های تعهد به سازمان آن است که فرد بین اهداف خود و سازمان احساس همسویی نماید. هر چه این احساس بیشتر باشد، بیانگر تعهد بیشتر او است. کسی که در سازمانی وارد می‌شود در حقیقت شرایط آن را هم پذیرفته و بین خود و خدای خود عهد می‌بندد تا در رسیدن به اهداف سازمانی که در آن کار می‌کند، تلاش نماید.

«و أوفوا بعهد الله إذا عاهدتم و لا تنقضوا الأیمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً إن الله یعلم ما تفعلون»؛ و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، درحالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده‌اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است! (نحل (۱۶)، ۹۱).

تعهد و انضباط سازمانی با عملکرد شغلی و رفتارهای مبتنی بر تابعیت سازمانی رابطه مستقیم دارد و ماهیت ارتباط فرد با سازمان در هر یک از اجزای سه‌گانه تعهد عاطفی، تعهد مستمر و تعهد تکلیفی متفاوت است. کارکنان با تعهد عاطفی قوی در سازمان می‌مانند برای این که می‌خواهند بمانند و آن‌ها که تعهد تکلیفی قوی دارند می‌مانند؛ زیرا احساس می‌کنند باید بمانند.

فردی که به سازمان تعهد دارد، در همه حال و هر موقعیتی داشته‌های خود را در اختیار آن قرار می‌دهد، زمانی که سازمان به داشته‌ها و تجارب فرد نیازمند است، در این شرایط هرگونه مساعدت، نشانگر تعلق و تعهد به سازمان است؛ بنابراین وجود

تعهد و انضباط کاری در کارکنان موجب مسئولیت‌پذیری، پایبندی به قوانین و مقررات، دل‌بستگی بیشتر کارکنان به سازمان و در نتیجه تحقق بهتر اهداف سازمان می‌شود. پاسدار انقلاب، سپاه را از آن خود می‌داند و اشتغال خویش در سازمان را فراتر از یک شغل می‌بیند و با شور و نشاط و عشق و ایمان به هدف، به کار و فعالیت می‌پردازد و به آن وفادار است.

۸) عدم حساسیت در مسائل مالی و کسب حلال

یکی از آسیب‌هایی که پاسداران انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند عدم حساسیت در مسائل مالی و کسب حلال است. تلاش برای کسب رزق حلال را معصومین^(ع) در بسیاری از روایات دارای ارزش جهاد در راه خدا خوانده و برای کشته‌شده در این راه اجر شهید قائل شده‌اند. اما به‌راستی چه اهمیت و سری در این موضوع نهفته است که تلاش برای به دست آوردن مال هر چند حلال از اجر جهاد در راه خدا برخوردار است؟

انسان پیوسته در برابر جاذبه مال و فرزند قرار دارد، از جمله مواردی که در زندگی برای آدمی پیش می‌آید، آزمایش مال است آنگاه که خدا، وی را از امکانات و ثروت دنیا بهره‌مند می‌کند در برابر امتحان قرار گرفته است.

«و اعلموا أنما أموالکم و أولادکم فتنه؛ و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند» (انفال (۸)، ۲۸).

اسلام نسبت به رزق حلال اهمیت خاصی داده و مسلمانان را نسبت به آن تشویق نموده و از خوردن لقمه حرام نهی کرده است. ما معتقدیم کسب روزی از راه

نامشروع و حرام، روزی انسان را بیشتر نمی کند، بلکه فقط آنچه را می توانست از راه حلال به دست آورد، به روش حرام کسب کرده است!

حضرت علی^(ع) سوار بر مرکب به مسجد رفت. از شخصی خواست مواظب مرکب او باشد تا باز گردد. حضرت هنگامی که بازگشت دید مرکب بدون افسار آنجاست. آن شخص افسار مرکب را دزدیده و فرار کرده است.

به ناچار به بازار رفت تا افساری برای مرکبش تهیه کند. دید افسار مرکب خودش آنجاست، آن را خرید و بر سر مرکبش انداخت، سپس فرمود: می خواستم به همین مقدار به او اجرت دهم، اما او نخواست آن را از راه حلال به دست آورد! (ری شهری، ۱۳۸۶، ح ۷۲۲۸).

پس اگر بخواهیم سعادت مند شویم، اگر طالب زندگی سالم در دنیا و آخرت هستیم، اگر در پی عاقبت به خیری هستیم، باید به دنبال کسب حلال باشیم. و گرنه، نه روی سعادت را خواهیم دید و نه زندگی پاکی خواهیم داشت و نه عاقبت به خیر خواهیم شد و نه توفیق پاسداری حقیقی از انقلاب اسلامی پیدا می کنیم.

در همین رابطه خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يا أيها الناس كلوا مما في الأرض حلالا طيبا و لا تتبعوا خطوات الشيطان إنه لكم عدو مبين؛ ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید، چه اینکه او دشمن آشکار شما است. او شما را فقط به بدی ها و انحرافات فرمان می دهد (و نیز دستور می دهد) آنچه را که نمی دانید به خدا نسبت دهید» (بقره ۲، ۱۶۸).

این آیه از طرفی انسان را به کسب حلال امر می‌کند و از سویی، او را از پیروی و تبعیت از شیطان نهی می‌نماید. در اینجا خدا به حلال‌خواری امر می‌کند و در مقابل، این شیطان است که انسان را به حرام‌خواری و درآمدهای نامشروع فرامی‌خواند. روزی حلال بهترین جزء از عبادات شمرده شده است.

پیامبر گرامی اسلام^(ص) فرمودند:

«العبادة سبعون جزءا أفضلها طلب الحلال؛ عبادت هفتاد جزء است و بهترین جزء آن، به دست آوردن روزی حلال است» (کلینی، ۱۴۰۷ ج ۵: ۷۸).

۹) بی‌توجهی به دستورهای شرعی در امور مالی و اقتصادی

یکی از آسیب‌هایی که پاسداران انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند بی‌توجهی به دستورهای شرعی در امور مالی و اقتصادی است. حقوق و اموال مسلمانان در نزد دین مبین اسلام از احترام و حرمت ویژه‌ای برخوردار است و مال مسلمان به اندازه خون او حرمت دارد و همان‌طور که خون مؤمن را نمی‌شود ریخت مال او را هم نمی‌شود خورد!

«أن رسول الله ص نظر إلى الكعبة فقال مرحبا بالبيت ما أعظمك و أعظم حرمتك على الله و الله للمؤمن أعظم حرمة منك لأن الله حرم منك واحدة و من المؤمن ثلاثة ماله و دمه و أن يظن به ظن السوء؛ روزی رسول خدا^(ص) نگاه به کعبه انداخت و فرمود: ای خانه تو چقدر سعادت‌مندی، چقدر با عظمتی و چقدر خداوند حرمت تو را بزرگ شمرده است! (اما) به خداوند سوگند که حرمت مومن از تو بیشتر است؛ زیرا خداوند از تو یک چیز را حرام کرده و از مومن سه چیز را: مال او را و خون او را و بدگمانی نسبت به او را» (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۶۴: ۷۱).

آری، در امور مالی و اقتصادی می‌بایست به دستورها و احکام شرعی توجه داشت تا خدای ناکرده مال مخلوط به حرام نشود. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

«من کسب مالا من غیر حله أفقره الله؛ هر کس مالی را جز از راه حلال به دست آورد، خداوند او را تهیدست گرداند» (طوسی، ۱۴۱۴: ۱۸۲).

و نیز فرموده است:

«من لم یبال من این اکتسب المال لم یبال الله من این أدخله النار؛ هر کس پروا نکند که مال را از چه راهی کسب کند، خداوند نیز پاک ندارد او را از چه راهی به دوزخ اندازد» (ورام بن ابی فراس ۱۴۱۰. ج ۲: ۶۲).

بنابراین پاسدار انقلاب اسلامی می‌بایست در امور مالی و اقتصادی به دستورات و احکام شرعی توجه داشته باشد تا گرفتار عواقب دردناک و آثار زیانبار کسب حرام نشود.

۱۰) دوری نکردن از درآمدهای شبهه‌ناک

یکی از آسیب‌هایی که پاسداران انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند دوری نکردن از درآمدهای شبهه‌ناک است. دومین مطلبی که خداوند متعال به خاطر آن سوگندهای سه‌گانه را یاد کرده، حس مال‌پرستی و پول‌دوستی افراطی برخی از انسان‌هاست. توجه کنید:

«وإنه لحب الخیر لشدید؛ و او (انسان) علاقه شدیدی به مال دارد» (عادیات (۱۰۰)، ۸).

کلمه «خیر» در این آیه شریفه به معنای مال است. مال اگر در جای خود مصرف شود بهترین بهترهاست؛ و اگر در جای نامناسب مصرف گردد، بدترین بدترهاست.

برخی انسان‌ها علاقه افراطی به اموال و دارایی دارند؛ بدین جهت فکر نمی‌کنند که از چه راهی به دست می‌آید، بلکه فقط در فکر جمع‌آوری آن هستند. درحالی که در روز قیامت از جمله چیزهایی که مورد سؤال قرار می‌گیرد و تا انسان پاسخ ندهد اجازه نمی‌دهند قدم از قدم بردارد، این سؤال است که: «از کجا به دست آورده‌ای و در کجا مصرف نموده‌ای؟» (قمی، ۱۴۰۴ ج ۲: ۲۰).

اگر کسی معتقد به جهان آخرت باشد و اهل حساب و کتاب، هرگز دست به مال حرام نمی‌زند و تنها در فکر افزودن دارایی خود نخواهد بود. گذشته از اینکه مال زیاد، با قطع نظر از تبعات اخروی آن، حقیقتاً مایه دردسر و زحمت است.

«و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالإثم و أنتم تعلمون؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم، به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، درحالی که می‌دانید (گناه است)!» (بقره (۲)، ۱۸۸).

در این که منظور از «باطل» در اینجا چیست؟ تفسیرهای مختلفی ذکر کرده‌اند: بعضی، آن را به معنی اموالی که از روی غصب و ظلم به دست می‌آید دانسته‌اند. بعضی اشاره به اموالی که از طریق قمار و مانند آن فراهم می‌گردد و بعضی آن را اشاره به اموالی می‌دانند که از طریق سوگند دروغ (و انواع پرونده‌سازی‌های دروغین) به دست می‌آید.

ولی ظاهر این است: مفهوم آیه عمومیت دارد و همه این مسائل و غیر این‌ها را شامل می‌شود؛ زیرا «باطل» که به معنی زایل و از بین رفته است، همه را در برمی‌گیرد. در بعضی از روایات، از امام باقر^(ع) تفسیر به «سوگند دروغ»، در واقع مصداق روشن «باطل» است (طبرسی، ذیل آیه مورد بحث - ۱۳۷۲).

بنابراین هرگونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و به ناحق مشمول این نهی الهی است. تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی‌کند و پایه و اساس عقلایی ندارد، نیز مشمول این آیه است. پس پاسداران انقلاب اسلامی می‌بایست از اموال و درآمدهای شبه‌ناک دوری نمایند تا گرفتار عواقب دردناکی که در این رابطه ایجاد می‌شود نشوند.

۱۱) سوءاستفاده مالی

یکی از آسیب‌هایی که پاسداران انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند سوءاستفاده مالی است. درحالی‌که سوءاستفاده در امور مالی در روایات به عنوان خیانت در امانت شمرده شده است.

امانت‌داری از مهم‌ترین فضایل اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و انسانی است که با تأکید فراوان در قرآن و احادیث از آن یاد شده است و به عکس خیانت از بزرگ‌ترین گناهان و نکوهیده‌ترین رذایل اخلاقی است. امانت سرمایه اصلی جامعه انسانی و سبب پیوند مردم با یکدیگر و نظم معاش و معاد آن‌ها است، درحالی‌که خیانت، آتش سوزانی است که همه پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج و مرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است. امانت از صفاتی است که هم در رابطه خلق با خالق و هم انسان‌ها نسبت به یکدیگر و هم انسان نسبت به خودش و هم نسبت به

محیط زیست او صادق است. کتاب‌های آسمانی و آیین‌های الهی، امانت‌های خدا در نزد مردم است.

نعمت‌های معنوی و مادی که خداوند در جسم و جان انسان آفریده هم امانت‌های او هستند. اموال و ثروت‌های مردم و پست‌ها و مقام‌های اجتماعی، امانت‌هایی است که مردم مأمور به حفظ آن‌ها هستند. فرزندان در دست پدر و مادر و شاگردان در نزد معلمان همه امانت‌های الهی محسوب می‌شوند. آب و خاک و هوا و آنچه خداوند برای زندگی و حیات بشر در جهان طبیعت آفریده هر کدام امانتی گرانبها در دست انسان‌ها است، که خیانت نسبت به آن‌ها گناه بزرگی است.

با توجه به وسعت مفهوم «امانت» و «خیانت» و گسترش دامنه آن در ابعاد مختلف اهمیت این فضیلت اخلاقی بیش از پیش آشکار می‌شود. در قرآن مجید امانت به صورت مفرد یا جمع بارها تکرار شده و در مورد شش نفر از پیامبران بزرگ الهی آیه زیر آمده است:

«انی لکم رسول امین» من برای شما فرستاده امینی هستم» (شعراء ۱۰۷، ۲۶).

این آیات قرآن درباره نوح^(ع) (شعراء- ۱۰۷) و هود (شعراء ۱۲۵) و صالح (شعراء- ۱۴۳) و لوط (شعراء- ۱۶۲) و شعیب (شعراء- ۱۷۸) و موسی (دخان- ۱۸) دیده می‌شود، که نشانه واضحی از اهمیت این فضیلت اخلاقی است که در کنار امر رسالت قرار گرفته و بدون آن هرگز اعتماد امت‌ها به رسولان جلب نمی‌شود.

در احادیثی که از پیامبر^(ص) و امامان معصوم^(ع) به ما رسیده است اهمیت فوق‌العاده‌ای به این مسأله داده شده است. گاه از امانت به عنوان یکی از اصول

اساسی مشترک در میان همه ادیان آسمانی یاد شده و گاه به عنوان نشانه اصلی ایمان و گاه به عنوان سبب جلب و جذب رزق و روزی و اعتماد مردم، سلامت دین و دنیا و غنا و بی نیازی یاد شده است که گلچینی از این روایات را در ادامه از نظر می گذرانیم:

(۱) در حدیثی از رسول خدا^(ص) خطاب به علی^(ع) می خوانیم که فرمود:

«یا ابالحسن ادا الامانه الی البر و الفاجر فی ما قل و جل حتی فی الخیط و المخیط؛ ای ابوالحسن! امانت را چه مربوط به شخص نیکوکار باشد یا بدکار، چه کم باشد چه زیاد به صاحبش برسان، حتی در نخ و سوزن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۲۷۳).

علی^(ع) می گوید این سخن را پیامبر اکرم^(ص) ساعتی پیش از وفاتش به من فرمود و سه بار آن را تکرار کرد.

(۲) از همان امام بزرگوار نقل شده است که برای آزمایش ایمان مردم فرمود:

«لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده، فان ذلک شیء اعتاده فلو ترکه استوحش لذلك ولكن انظروا الی صدق حدیثه و اداء امانته؛ نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید (و تنها آن را نشانه دیانت آن ها ندانید)؛ چرا که این چیزی است که ممکن است به آن عادت کرده باشد و هرگاه آن را ترک کند، نگران می شود ولی نگاه به راست گویی و امانت آن ها کنید» (شیخ حر عاملی ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۶۸).

هدف از این تعبیر این نیست که نماز و روزه و حج و انفاق، سبک شمرده شود، بلکه هدف آن است که این ها تنها نشانه دین داری افراد معرفی نگردد، بلکه به دو

رکن اساسی دین یعنی راستی و امانت‌داری و عدم سوءاستفاده مالی افراد و به‌ویژه پاسداران باید بیشتر توجه شود.

نتیجه‌گیری

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است انقلابی، با عهده‌داری مسئولیت نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن، که تحت ولایت ولی‌فقیه و با حفظ روحیه جهادی و آمادگی نظامی، این وظیفه مهم را تا سپردن پرچم انقلاب به دست صاحب حقیقی‌اش حضرت مهدی (عج) انجام خواهد داد. بی‌گمان در این مسیر معنویت و تقویت آن در بدنه سپاه نقشی مهم ایفا خواهد نمود؛ چراکه بسیاری از ارزش‌ها مانند ایمان، اخلاص، صداقت، ایثار و فداکاری، صبر و پایداری، شجاعت و دلاوری، عزت و کرامت، بی‌رغبتی به دنیا و زخارف آن، شوق جهاد و شهادت‌طلبی و... در سایه آن پدید می‌آید؛ و این‌ها ارزش‌هایی هستند که اگر لشکری به آن مجهز شود هیچ‌گاه دشمنان نمی‌توانند کوچک‌ترین آسیبی به آن برسانند.

بر اساس آنچه گذشت، این پژوهش با هدف بررسی و تبیین آسیب‌های پاسداری در حوزه اخلاق و رفتار سازمانی از دیدگاه آیات و روایات و سخنان بزرگان دین تدوین شده است؛ و با توجه به مطالبی که سامان پذیرفت، نتایجی چند به دست آمد که از نظر می‌گذرد:

آسیب‌هایی که در بعد اخلاق و رفتار سازمانی پاسداران را تهدید می‌نماید ضعف روحیه پاسداری، ضعف بصیرت انقلابی، ضعف دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی، سستی در چالاکی و عمل انقلابی و عدم حساسیت در مسائل مالی و کسب حلال می‌باشد و لازم است آحاد پاسداران انقلاب اسلامی نسبت به این مسأله دقت داشته

باشند که نعمت‌های معنوی و مادی که خداوند در جسم و جان انسان آفریده امانت‌های او هستند. اموال و ثروت‌های مردم و پست‌ها و مقام‌های اجتماعی و از همه بالاتر پاسداری از انقلاب اسلامی همه اینها امانتی گرانبها در دست انسان‌ها است، که خیانت نسبت به آن‌ها گناه بزرگی است.

پاسداری از انقلاب اسلامی هم مسئولیت است و هم تکلیف تک‌تک افراد جامعه اعم از رهبری نظام، نهادهای تأسیس‌شده مانند سپاه، ارتش و نیروی انتظامی و... برای این مأموریت مسئولیت دارند و باید برای بقای شریعت و نهضت حسینی و حفظ دین و آشکار ساختن اسلام محمدی^(ص) بکوشند.

به لطف الهی تا به امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پرتو حفظ و تقویت این ارزش‌ها، توانسته است تمام دسیسه‌ها و نقشه‌های دشمنان را برملا ساخته و وظیفه اصلی خود یعنی صیانت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را نیز به بهترین نحو ممکن انجام دهد. از این‌پس نیز توجه به معنویت و تعمیق آن در تک‌تک پاسداران به‌عنوان برجسته‌ترین شاخص فرهنگ پاسداری، امری ضروری و لازم است و باید فرماندهان و مسئولان سپاه این موضوع را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۶۹.

الف-منابع فارسی

- ۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی / ترجمه رسولی محلاتی ج ۱، ص ۲۵۲-تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۴ ش.
- ۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ش
- ۳- بابائی، احمدعلی، گزیده تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
- ۴- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص ۵۵۵ - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۵- جمعی از نویسندگان، سپاه از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۳.
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۲.
- ۷- طباطبایی سید محمدحسین، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ناشر دفتر جامعه مدرسین، ۱۳۷۴، چاپ پنجم
- ۸- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی(ع)، تهران، نشر صدرا، چاپ اول، ۱۳۷.
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ۴، ۲۲، ۶، چاپ بیست و چهارم، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
- ۱۰- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام (لابن شهرآشوب) - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.
- ۱۱ نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت، ۱۳۸۵، ص ۶۶۲

- ۱۲- محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۳۴، انتشارات دارالحديث، قم ۱۳۸۶
- ۱۳- محمدهادی، مهتدی-شیخیان، علی؛ دژهای استوار، ص ۴۳ انتشارات زمزم هدایت (ق)، ۱۳۸۷.
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، محمد بن محمد، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۷.
- ۱۵- دلشادتهرانی، مصطفی، سیره ی نبوی منطق عملی، دریا، تهران: ۱۳۸۳، بی تا.
- ۱۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، انتشارات دیبا، ۱۳۸۶.
- ۱۷- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، نوبت اول، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
- ب) منابع عربی**
- ۱- انوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.
- ۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق
- ۳- محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۴۱۶ ق، ج
- ۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۲، چاپ سوم، بی جا: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه. ق.
- ۵- پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات استوار، ۱۳۸۹.
- ۶- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن ج ۱؛ ص ۲۸۶ - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ ق.
- ۷- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبۀ الله، شرح نهج البلاغۀ لابن ابی الحدید - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۸- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ص ۹۹ - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۹- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ ج ۱۵؛ ص ۳۷۱ قم، چاپ اول، ۱۴۰ ق.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار (ط - بیروت) بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

- ۱۱- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول ص ۲۲۳ - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق
- ۱۲- حسن بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات، دمشق، چاپ اول، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۳- فیض کاشانی، محسن؛ المحجه البيضاء فی تهذیب الحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ج ۷،
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، چاپ هشتم، بی جا: انتشارات سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۶.
- ۱۵- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶ و ۶۶ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۱۶- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، عیون الاخبار، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ۱۷- میرزایی، علی اکبر، نهج الفصاحه، چاپ ششم، بی جا: انتشارات جاف، ۱۳۸۶.
- ۱۸- بروجردی، حسین، جامع الاحادیث الشیعیه، ج ۱۶، تهران: فرهنگ سبز، بی تا.
- ۱۹- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، قم: اسماعیلیان، بی تا.
- ۲۰- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۸، تهران: بی نا، ۱۳۴۶.
- ۲۱- رضایی، سید عبدالحسین، ارشاد القلوب، ج ۱، چاپ سوم، تهران: اسلامیه، بی تا.
- ۲۲- دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ج ۶، تهران: آرایه، ۱۳۸۵.
- ۲۳- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه علی اصغر فقیهی، چاپ دوم، قم: انتشارات مشرقین، ۱۳۸۰.
- ۲۴- شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۱، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۵- شیخ حرعاملی، وسایل الشیعیه، ج ۳ و ۵ و ۹ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵، چاپ دوم قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۶- شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، چاپ اول، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق.
- ۲۷- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام، ج ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
- ۲۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

- ۲۹- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ترجمه میرباقری، سیدابراهیم، ج ۲ و ۷، چاپ دوم، تهران: فراهانی، ۱۳۶۵ ش.
- ۳۰- عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ترجمه رجایی، سید مهدی ج ۱ و ۳، نوبت دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۳۱- علامه طباطبایی، سنن النبی، محمدهادی فقهی، تهران: نوبت هفتم کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۲- عطایی، محمد رضا، مجموعه ورام، چاپ اول، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۹ ش.
- ۳۵- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ۳۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۸، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.
- ۳۷- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، محجه البیضاء، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه الجماعه المدرسین القم، ۱۳۷۶.
- ۳۸- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، قم: قدس، ۱۳۸۸.
- ۳۹- یاسپرس، کارل، ۱۳۶۳؛ کنفوسیوس، ترجمه محمد سمیعی، تهران: انتشارات خوارزمی ج (منابع اینترنتی:
- ۱- گروه دین و اندیشه سایت تبیان زنجان، www.tebyan.com - ۲- سایت حوزه، ۱۹ اسفند ۱۳۹۱، پرهیز از تجمل گرایی www.hawzah.net.com
- ۲- جعفری، محمد حسن، ۱۳۹۰، تجمل گرایی در خانواده اسلامی، www.alvershop.com
- ۳- نرم افزار گنجینه نور، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۴- نرم افزار جامع شهید مطهری، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۵- نرم افزار جامع الاحادیث ۳/۵، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۶- نرم افزار جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۶۸.